

سخنرانی آقای داریوش فروهر

وزیر کار و امور اجتماعی

در

شصت و پنجمین اجلاس

کنفرانس بین المللی کار

ژنو

هیجدهم خرداد ماه ۱۳۵۸

جمهوری اسلامی ایران

وزارت کار و امور اجتماعی

دفتر وزیر

شماره

تاریخ

پوست

به نام خداوند جان آفرین

پناه جهان، پشت ایران زمین

آقای رئیس! اجازه می خواهم در آغاز گزینش شما را به ریاست کنفرانس، از سوی هیئت نمایندگی جمهوری اسلامی ایران شادباش بگویم، به خصوص چون شما نماینده ملت بزرگ هند هستید که از دیرباز مردم میهن من با آن پیوند ناگسستنی تاریخی و فرهنگی داشته اند.

خانم ها و آقایان:

هر چند برای نخستین بار است در چنین کنفرانس‌های شرکت می‌کنم، زیرا مبارزه به خاطر استقلال ورهائی کشورم از بندهای یک نظام زیر سلطه و وابسته، و طبیعتاً زیست طولانی در زندان‌ها به من این امکان را نمی‌داد که در اینگونه مکانها حضور یابم، اما در همه حال، به دلیل لزوم شناخت جریان‌های بین‌المللی گوناگون، سالهاست که با فعالیت‌های سازمان بین‌المللی کار، از جمله تلاش به خاطر تجهیز منابع نیروی انسانی، اشتغال و آموزش حرفه‌ای و شرایط کار، آشنائی دارم و می‌دانم سازمان بین‌المللی کار، یکی از قدیمی‌ترین سازمان‌های بین‌المللی است که می‌کوشد سهم شایان توحهی در توسعه عدالت اجتماعی در مقیاس جهانی داشته باشد. واگر پیروزی‌های دگرگون‌سازنده‌ای به دست نیامده، تنها به دلیل وضعیت عمومی جهان و روابط نادرست و نامطلوب بین‌المللی بوده‌اند عدم تمایل افراد خیراندیش و آینده‌نگری که از میان ملت‌های گوناگون به خدمت این سازمان درآمده‌اند.

من بسیار شادمانم که به عنوان نخستین وزیر کار دولت جمهوری اسلامی ایران که با تکیه بر نیروی حوشان و نبرد پی‌گیر ملت ایران، برای استقرار حاکمیت ملی و عدالت اجتماعی بنیان یافته‌است، مطالبی را

جمهوری اسلامی ایران

وزارت کار و امور اجتماعی

دفتر وزیر

شماره

تاریخ

پوست

-۲-

از تریبون این کنفرانس به آگاهی تان برسانم و به شکلی فشرده، شما را در جریان یکی از بزرگترین رویدادهای قرن اخیر قرار بدهم .
همه شما می دانید که از پی هر انقلاب، به ویژه انقلاب هائی که منافع غیر انسانی گروه کثیری را از میان می برد، ملت انقلابی، در برابر مجموعه عظیمی از کمبودها و نابه سامانی ها قرار می گیرد، چرا که اگر مشکلات و نابه سامانی ها به نهایت نرسیده باشد، نیاز به انقلاب و ریشه کن ساختن نظام حاکم، احساس نمی شود.

مانیزی آنکه از چنین اصلی برکنار مانده باشیم، می کوشیم که به یاری اراده استوار ملت مان و با الهام از فرهنگ ملی مایه گرفته از ارزش های والای اسلامی بر همه آنها چیره شویم.

ملت ایران ملتی است که اینک با ید همه چیز را از نو آغاز کند، زیرا نظام وابسته پیشین کشور ما، هرگز روش های اقتصادی و اجتماعی سازنده ای در جهت منافع ملی و رفاه جامعه اتخاذ نکرد، بلکه تنها به گسترش فساد و انحطاط عمومی دامن زد تا نیروی بالقوه شورنده و معترض را در معرض نابودی قرار بدهد.

ملت هائی مانند ملت ایران، که سالها زیر سلطه استعمار کهنه و نو بوده اند می دانند که هیچ دردی عمیق تر از درد تک محصولی بودن و تک محصولی باقی ماندن وجود ندارد. سرنوشت کشورهای اینچنین، همیشه تابع اراده مسلط شونده گان بر این محصول بوده است. ما هرگز نمی توانستیم درباره شرایط کار و زندگی کارگرو بسنج نیروهای انسانی به خاطر بر آوردن آرمان های ملی خود، تصمیمی اتخاذ کنیم زیرا اشتغال، تابعی از درآمد نفت و مسائل سیاسی وابسته به آن بود، و در آمد نفت نیز

جمهوری اسلامی ایران

وزارت کار و امور اجتماعی

دفتر وزیر

شماره

تاریخ

پوست

-۳-

نصیب کسانی می شد که به راستی سهمی و حقی از آن نداشتند. حتی زمانی که قیمت نفت، بنا بر اراده کشورهای نفت خیز صادرکننده نفت افزایش یافت، نتیجه با زهم در جهت نابرابری بیشتر درآمدها و تبدیل سرمایه به کالاهای مصرفی ناسودمند و ارداتی، به زیان ملت ما تمام شد.

دولت جمهوری اسلامی ایران، اینک اعتقاد دارد که نفت، یک سرمایه ملی است و آنچه ما مجاز به فروش آن هستیم، کار ماست نه سرمایه ما. واگر ناگزیر، اقدام به فروش سرمایه می کنیم، باید که در برابر آن، به شکل عادلانه ای به خرید سرمایه به پردازیم، یعنی مبادله نوعی سرمایه با نوع دیگر، بنا بر نیا ظرفین، یعنی فروش نفت و خرید ماشین های صنعتی مادر یا ابزارهای تولیدی مقاوم در جهت رشد کشاورزی ملی و بنا نهادن صنایعی که مواد مصرفی اولیه را فراهم سازد و قدرت جذب هر چه بیشتر نیروی کار را داشته باشد. و در نتیجه بر شمار فرآورده های حاصل از کار واقعی بیفزاید و ما را از تنگنای تک محصولی بودن بیرون بکشد.

نظام زیر سلطه بیگانه، درست عکس این عمل می کرد، و به همین دلیل نیز ملت ما را تا مرزهای نابودی کشاند. فروش تنها سرمایه ما و توزیع نامناسب درآمد آن، و در نتیجه غلبه روحیه تجمل گرایی و مصرفی شدن جامعه سنتی و افزایش نابرابری های اجتماعی و فساد ناشی از آن.

بنابراین، نخستین وظیفه ما این است که کار را جان نشین فساد کنیم و فروش بازده کار را جان نشین فروش سرمایه.

از سوی دیگر، در نظام پیشین کشور ما در بیشتر بخش های اقتصادی، به جای پی ریزی پایه های استوار و لازم - از جمله آموزش نیروی انسانی و

جمهوری اسلامی ایران

وزارت کار و امور اجتماعی

دفتر وزیر

شماره
تاریخ
پوست

-۴

ایجاد مدیریت های مورد نیاز - در مقیاس وسیعی از نیروی کار خارجی استفاده شد، در حالی که مطابق آمار خودرژیم فاسد سابق - در سال ۱۳۵۵ - بیش از یک میلیون ایرانی از ده میلیون نیروی کار کشور، دچار بیکاری آشکار و پنهان بودند. در نتیجه به جای آنکه از دیاد درآمد ملی از راه فروش نفت خام، نصیب افراد مملکت شود و سطح اشتغال و درآمد را بالا ببرد، با وارد کردن نیروی کار خارجی - حتی در سطوح مطلقاً غیر متخصص - فرصت های جدید اشتغال را در اختیار کارگران ایرانی قرار ندادند و با وارد کردن وسائل و بازارهای بسیار گران بها و از نظر فنی پیچیده اما غیر لازم، که بیشتر نتیجه وابستگی به سرمایه داری خارجی بود، نسبت سرمایه به اشتغال در اغلب بخش های اقتصادی به طور خارج از تناسب بالا رفت.

نگرفت

به این ترتیب، در بین عوامل تولید، آنچه مورد توجه قرار نگرفت، نیروی کار ملی بود، و این بی اعتنائی، مشکلات بی شماری را به همراه خود نمایان ساخت و عدم تعادلی را در کلیه زمینه ها موجب شد که به صورت یکی از عوامل اساسی ایجاد تورم، خود نمائی کرد. و با توجه به سیر صعودی خطرناکش هنوز هم مهار کردن آن، امری بسیار دشوار به نظر می رسد.

باز هم در اثر سوء سیاست اقتصادی گذشته و عدم حمایت از کشاورزان - به قصد وابسته نگه داشتن همه جانبه اقتصاد کشور - روستاهای مهین ما، از پی مهاجرت روستائیان به شهرها به امید یافتن درآمد بیشتر، دچار کمبود نیروی انسانی شد. کشاورزی روبه زوال رفت، تولیدات کشاورزی به میزان غیر قابل توصیفی کاهش یافت، و کشور، همچنان که منظور نظر گردانندگان امورات اقتصادی بود، به ناچار برای تامین مواد غذایی و گذران معیشت خود به بازارهای جهانی روی آورد.

صنعت کشور ما نیز عطف به مقاصد آشکار نظام زیر سلطه اجانب ، جنبه مونتاژ و وابسته یافت ، چنانکه بدون دخالت ، نظارت و صادرات روز افزون کشورهای صنعتی ، حتی قادر به ادامه حیات بیمارگونه خود نبود ، و فقط صورت صنعتی داشت نه ماهیت صنعتی ، در واقع ، اولیگارشیک صنعتی زیر سلطه بیگانه با همدستی خانواده سلطنتی و با استفاده از وامها و اعتبارات هنگفت دولتی ، اقدام به احداث این شکل از شبه صنعت کرده بود . این موسسات شبه صنعتی با اتکای به مکانیزم نامرئی قدرت دستگام حاکمه ، تابع هیچگونه نظارت و پیرو هیچگونه خط مشی اقتصادی نبودند و دولت ها نیز به گونه ای نادرست از این صنعت کاذب حمایت می کردند چرا که هیچ دولتی بر سر کار نمی آمد که افرادش در منافع نامشروع حاصله از این موسسات ، سهم و شریک نباشند .

ضمناً دولت ها می کوشیدند که با اقدامات مردم فریبانه ای از قبیل سهم کردن کارگران در سود کارخانه ها و مالکیت صنعتی ، که کمترین نقشی در نجات کارگران از تنگدستی و افسردگی نداشت ، سیاست های ناسالم و ضد ملی خود را توجیه کنند .

دولت جمهوری اسلامی ایران ، افسانه صنعتی شدن را به آن کیفیتی که در بعضی از کشورهای جهان سوم - بدون توجه به مسئله ناوابستگی - دنبال می شود ، صحیح و سودمند نمی داند و صنعتی شدن کشور و یا دفاع از حقوق کارگران را در رابطه مستقیم با استقلال ملی مطرح می کند .

به اعتقاد دولت جمهوری اسلامی ایران هیچ تحولی به طور بنیادی پدید نمی آید مگر آنکه جا معاً از استقلال و حق انتخاب خط مشی های ملی

جمهوری اسلامی ایران
وزارت کار و امور اجتماعی
دفتر وزیر

شماره

تاریخ

پوست

-۶-

اقتصادی - با در نظر گرفتن ویژگیهای فرهنگی و جغرافیائی - برخوردار
باشد .

وجود چنین گرایش ملی محکمی در انقلاب اسلامی ملت ایران ،
به این سبب است که انقلاب ما در برگیرنده و حافظ منافع همه گروههای
اجتماعی است که علیه نابرابری ها و اختناق و بیدادگری به جنبش در -
آمده اند .

انقلاب اسلامی ملت ایران ، به شدت دارای ویژگی ضد امپریالیستی
است ، زیرا در همه حال ، استعمار و استبداد ، به هم وابسته اند ، و استبداد ،
عموماً از سوی امپریالیسم و علیه ملت های آزادیخواه و استقلال طلب ،
شکل می گیرد .

با توجه به چنین نگرشی به مسئله اقتصاد ، و در چارچوب روندی که
انقلاب ما و بنیادهای اندیشه ای آن دارد ، ما معتقدیم که منابع طبیعی و
همه سرمایه های که در تولید آنها استفاده می شود نمی تواند از تولید
سهمی بیش از جبران استهلاک و نوسازی ، و تکامل بخشیدن به ابزارهای کار
داشته باشد . و در نظام تولیدی جامعه ، اصالت کار مطرح است نه اصالت
سرمایه .

درآمد ، بدون کار ، از نظر ما نامشروع است ، و واسطگی - به معنای
خرید به قیمتی و فروش به قیمتی بیشتر ، بدون تغییر در کالایا بدون مصرف
نیروی کار اضافی سودمند ، عملی بیدادگرانه است .

از دیدگاه انقلاب اسلامی ملت ایران ، درآمد حاصل از کار ، منوط
به توانائی و تلاش افراد است و شایستگی و نظم فردی ، ارزش فراوانی در
ایجاد رفاهی بیشتر دارد . در عین حال ، بدیهی است که دولت ، موظف خواهد

جمهوری اسلامی ایران
وزارت کار و امور اجتماعی
دفتر وزیر

شماره
تاریخ
پوست

-۷-

بود حداقل دستمزدی را برای کارگران مقرر کرده که ایشان بتوانند مکانات زیست آسوده و بی دغدغه خود و خانواده خود را فراهم آورند .

به اعتبار آئین مترقی اسلام و به استناد قرآن ، کتاب مقدس مسلمانان ، همچنان که عبادت ، از ذات زندگی جدا نیست ، کار نیز نوعی عبادت و از بهترین و پسندیده ترین الگوهای عبادت است . به همین دلیل نیز ، کار ، تنها یک وسیله کسب درآمد به شمار نمی آید . کار باید زاده عواطف ، احساسات و تمایلات سالم کارگر باشد و در جهت علائق او پدید آید .

کار باید منطبق با نیازهای روانی کارگر باشد . بنابراین ، علاقه ، دانش و مهارت ، معیارهای واگذاری کار به انسان هاست . ورقابت ، صرفاً " متوجه دستمزد و بهره وری از کار است و حالتی تشویقی دارد نه برانگیزی صاحبان صنایع کوچک و بزرگ در مسیر خنثی کردن نیروی کار یکدیگر و ایجاد دشمنی ها و تضادها .

مسئله بسیار اساسی دیگری که انقلاب ما به آن توجه خاص دارد ، مسئله آلودگی های محیطی ناشی از تولید است .

بدون شک ، بشر ، بزودی از آنچه با زیستگاه خود می کند و ظمی که در حق طبیعت و من غیر مستقیم در حق فرزندان خود روا می دارد به شدت پشیمان خواهد شد ، اما چه بسا که در آن زمان ، پشیمانی ، سودی نداشته باشد .

چه خاصیت که ما جهانی مرفه ، اما آلوده و بی آینده داشته باشیم ؟

صنعت ، در خدمت انسان امروز و علیه انسان فردا ، صنعت راستین نیست . صنعتی سلامت و سازنده است که بتواند آینده ملت های سراسر جهان را پیش چشم خود داشته باشد .

جمهوری اسلامی ایران

وزارت کار و امور اجتماعی

دفتر وزیر

شماره

تاریخ

پست

-۸-

در زمینه "خودکفائی" ، ما واقع بینانها اعتقاد داریم که هیچ کشوری به "خودکفائی مطلق" دست نمی یابد و ارزش روابط اقتصادی بین المللی نیز در همین نکته است . با وجود این ، ما امیدواریم که همه ملت های جهان ، چنان شرایط و امکاناتی برای تولید ملی فراهم آورند که در صورت لزوم و در حالتی که یکی از کشورها بخواهد به اتکای نیاز کشورهای دیگر ، در حیات سیاسی و اجتماعی آن کشورها نفوذ کند و بساط استعمار و استثمار را بگسترده ، همه ملت ها بتوانند به یاری نوعی خودکفائی و آنچه که ما "روزه اقتصادی" می نامیم ، این هجوم و بحران را رد کنند و دچار حالت درماندگی نشوند . جهاد هرملتی با استعمار ، جهاد همه ملت های جهان با استعمار است .

یکی دیگر از مهم ترین مسائلی که هم اکنون در متن انقلاب اسلامی ملت ایران مطرح شده این است که هرچه سریع تر به پی ریزی برنامه های عمرانی زنجیره ای به پردازیم تا کار مستمر ، جانشین کارهای فصلی گروه بزرگی از کارگران ما بشود ، و جامعه ، پیوسته نگران احوال کارگرانی که بنا بر شکل کار خود به تناوب دچار بیکاری می شوند نباشد . ما می دانیم که برای رسیدن به چنین مرحله ای و نیز فراهم آوردن امکانات رشد سریع اقتصادی و خارج شدن از بحران بیکاری ، آموزش ، جزء لاینفک یک نظام اقتصادی هشمار و مترقی است . به همین دلیل ، دولت جمهوری اسلامی ایران که بیش از هر چیز به اعتلای شخصیت انسانی می اندیشد ، در مسیر انتخاب هدف های آموزشی کشور ، دستاوردهای حاصل از مطالعات دانشمندان عالیقدر این رشته را می پذیرد و به این سه اصل آموزشی توجه می کند :

جمهوری اسلامی ایران
وزارت کار و امور اجتماعی
دفتر وزیر

شماره

تاریخ

پوست

-۹-

۱- آماده ساختن انسان برای کسب دانش و بهره‌گیری از زندگی

۲- آماده ساختن انسان برای ایجاد رابطه و پدید آوردن -

محیط تفاهم

۳- دادن مهارت‌های لازم به انسانها برای پیوستن به صف تولید

سرانجام ، دولت جمهوری اسلامی ایران ، به بنیان‌گیری

اتحادیه‌های کارگری بر اساس اراده آزاد و معطوف به اندیشه و قسدرت

کارگران ، ایمان راسخ دارد و سندیکا‌های مستقل را در همه حال ، تعیین

کننده حفظ منافع کارگران می‌شناسد و مصراً معتقد است که دولت‌ها حق

ندارند در روند "ساخت و کار" سندیکاها دخالت و اعمال نفوذ نمایند ،

بلکه صرفاً می‌توانند در موضع تشویق و حمایت این واحدهای اصیل

کارگری قرار بگیرند .

بسیاری از شما حضار محترم می‌دانید که نظام پیشین کشور ما ،

با اتکای به تبلیغات و صرف هزینه‌های هنگفت ، سقوط اقتصادی ایران را

نوعی رشد اقتصادی و پیشرفت همه‌جانبه‌نمایش می‌داد و با کمک واژه‌های

فریبنده به قلب و اقعیت‌ها می‌پرداخت .

و باز هم می‌دانید که پیش از این ، برخی از مظاهر نظام فاسد

پیشین ، با استفاده ناحق از این تریبون - که قاعده بایستی در خدمت

پیشرفت "فرهنگ کار" و ایجاد شرایط مناسب برای بهزیستی کارگران

باشد ، در باب وضع اقتصادی ایران و با توسل به تمدن و فرهنگ کهنسال

ایران ، سخنان ریاکارانه اما زیبائی گفته‌اند که مطلقاً عاری از

حقیقت و وارونه حقیقت بوده است .

من در اینجا ، و به احترام این سازمان نیکخواه ، وظیفه خود می دانم اعلام کنم که کلام زیبارا می توان در خدمت اندیشه و اعمال زشت در آورد ، و این ، به راستی مایه تاسف است . به همین دلیل من امیدوارم تفاوت های اساسی میان آنچه که دولت جمهوری اسلامی ایران می گوید - و البته چندان آراسته و پیراسته نیست - و آنچه پیش از اینها وسیله نمایندگان نظام پیشین گفته شده ، برای همه حضار محترم آشکار باشد .

از این گذشته ، و متاسفانه ، ارقام و اعداد نیز می تواند در خدمت خلاف واقع در آید و حقایق را وارونه جلوه بدهند . آنچه در زمان حاضر از کلام و عدد مهم تر است ، مشاهده عینی زندگی کارگران در متن حیات ملت هاست ، و درک مصیبتی که تنگدستی و ستمدیدی کارگران یک کشور برای سراسر جهان پدید می آورد .

به همین سبب نیز ما برای وصول به رفاه جهانی کارگران باید بایک چشم به جهان بنگریم و بایک چشم به کشور خود .

اگر کارگران بخشی از جهان در فقر و استثمار به سر می برند ، این مسئله ، چه بخواهیم چه نخواهیم بر واکنش های کارگران بخش های دیگر جهان ، اثری منفی می گذارد .

بنابراین ، دولت جمهوری اسلامی ایران ، آرزو مند آن است که حکومت های سراسر جهان ، تنها ناظر بر رفاه و آسایش کارگران خود نباشد و این رفاه و آسایش را به قیمت واژگون کردن زندگی کارگران سایر نقاط جهان به دست نیاورند ، چرا که در نهایت ، این واژگونی ، کارگران ملت های مرفه جهان را نیز در امان نخواهد گذاشت .

جمهوری اسلامی ایران

وزارت کار و امور اجتماعی

دفتر وزیر

شماره
تاریخ
پوست

-۱۱-

پیش از آنکه سخن خود را به پایان برسانم اجازه می خواهم پیرامون گزارش مدیرکل ارجمند، به چند نکته اشاره کنم .

در باب رابطه میان تصمیم گیری های دولت های منبعث از مردم با برنامه ریزی های سازمان های بین المللی ، ما نیز معتقدیم که همکاری های دفتري بین المللی کار باید معطوف به تکمیل کوشش های ملی و ایجاد ظرفیت های محلی باشد نه اینکه جایگزین این ابتکارات گردد .

با این وجود ، ما معتقدیم که سازمان بین المللی کار و کنفرانس حاضر ، با عزم راسخ و حسارت لازم در تصمیم گیری های خود اکتفا نکردن به برنامه ها و تصمیمات موضعی قطعاً می تواند به حل برخی مشکلات اساسی و عدم توازن های آزارنده ، کمک کند .

اما در باب " مسائل تشکیلاتی سازمان بین المللی کار " یادآوری این نکته را ضروری دانم که متأسفانه روند اقتصاد جهانی - علی رغم همه تلاشها - به سوی غنی تر شدن کشورهای دارا و فقیرتر شدن کشورهای نادر جریان دارد .

با توجه به اینکه کشورهای صنعتی برای نجات آگاهانند که هنوز نیروی کار فشرده و منابع عظیم طبیعی در سرزمین های غیر صنعتی وجود دارد و این دو عامل برآورنده نیازهای جهان فردا به شمار می رود ، ارگانیک سازمان بین المللی کار ، باید در پذیرش تساوی حقوق همه جانبه شرکت کنندگان در این سازمان تفاهمی بیش از آنچه تا کنون ارائه شده ، نشان بدهد .

اینک زمان آن فرا رسیده که در تشکیلات سازمان ، به پیروی از عدالتی که که جملگی کشورهای جهان به مفهوم صحیح و قاطع آن دست یافته اند ، تجدیدنظری جدی به عمل آید و گروه بزرگ کشورهای غیر صنعتی و نیمه صنعتی ، تابعی از متغیر نظرات معدود کشورهای صنعتی جهان نباشند .

جمهوری اسلامی ایران
وزارت کار و امور اجتماعی
دفتر وزیر

شماره

تاریخ

پوست

-۱۲

اینک زمان آن فرارسیده که کشورهای صنعتی، به گونه‌ای عاقبت‌اندیشانه این آگاهی خود را که تصمیمات یک جانبه، هر چند تحت شرایطی به تمویب برسد، قابلیت پذیرش و اجرا نخواهد داشت و نتیجه‌ای جز کاهش اعتقاد ملت‌های فقیر به سازمان‌های بین‌المللی به بار نخواهد آورد، به ساخت تشکیلاتی این سازمان پراهمیت، دگرگونی‌هایی بدهند و در جهت پذیرش پیشنهادهای و نظرات نمایندگان ملت‌های فقیر و غیرصنعتی، و در محظور کمی یا کیفی آراء قرار ندادن ایشان، تشکیلات سازمان را به راستی نو سازی کنند و حد ثمر بخشی و سودمندی آن را افزایش دهند.

بدون تردید، وصول به چنین تفاهمی، نهایتاً به زیان منافع بنیادی و طولیل مدت ملت‌های صنعتی شده، تمام خواهد شد.

با سپاس از اینکه به سخنان نخستین نماینده جمهوری اسلامی ایران گوش سپردید. به انتظار پیروزی‌های بیش از پیش سازمان بین‌المللی کار، و به امید روزی که واژه "رنج" از فرهنگ زندگی همه کارگران جهان زدوده شود و دیگر "کارگران جهان"، "رنجبران جهان" نباشند. . . .